

ژان کلود کارییر

پاسکال بونیتزر

تمرین فیلمنامه نویسی

نادر تکمیل همایون



فهرست مطالب

۱۳	<u>فصل اول - کار عملی فیلمنامه‌نویسی</u>
۱۸	نگارش فیلمنامه چگونه آغاز می‌شود
۲۲	فیلمنامه‌نویس‌ها چگونه دستمزد می‌گیرند
۲۷	در باب «نگارش» به مفهوم مطلق کلمه
۴۸	وقتی فیلمنامه نوشته شد، چه پیش می‌آید؟
۵۱	<u>فصل دوم - تمرین مدرسه‌ای</u>
۵۷	آگاهی از نحوه ساختن یک فیلم
۶۰	پرورش قوه تخیل
۶۳	پیش از نوشتن باید بازی کرد
۶۶	تمرین‌های اجباری، تمرین‌های اختیاری
۷۳	<u>فصل سوم - مشکلات فیلمنامه</u>
۷۴	فیلمنامه و تخیل
۷۸	آیا فیلمنامه‌ای اصیل (غیراقتباسی) وجود دارد؟
۸۵	تصویر روایت می‌کند
۹۲	راوی و مخاطب
۱۰۱	شخصیت‌ها و رخدادها
۱۱۲	دروغ و اندام‌های بدن
۱۱۸	پایان فیلمنامه

یا به زبان دیگر، جزء به جزء. فقط کارگردان (کسی که اغلب اوقات در نوشتن فیلمنامه سهیم است)، فیلمنامه را کامل می‌خواند و مدام به آن رجوع می‌کند، مثل جعبهٔ کمک‌های اولیه، محلی که همهٔ راه‌حل‌ها در آن یافت می‌شود، دفترچه یادداشتی بی‌نقص که گاه آن را انجیل نیز می‌نامند.

با این همه، فیلمنامه، نوشتاری ادبی و مبهم نیست؛ حالتی بینابینی، بی‌دوام و تقریباً به ثمر نرسیده ندارد، وسیله‌ای دم دستی نیست یا قطعه‌ای ادبی که باید بعدها به لحظه‌ای سینمایی مبدل شود.

خیر، فیلمنامه از همان اول، خود فیلم است.

سوء تفاهم‌های اولیه اغلب از همین جا پدید می‌آیند. چون فیلمنامه حالتی نوشتاری دارد، عده‌ای تصور می‌کنند با شیئی ادبی سروکار دارند. فیلمنامه‌نویس، «نویسندهٔ سینما» است؛ پس می‌توان فیلمنامه‌هایی یافت که «خوب» نوشته شده‌اند و فیلمنامه‌هایی که «بد» به قلم تحریر درآمده‌اند، الخ.

کل این منطق ادبی را باید یکجا کنار گذاشت، زیرا نقابی گول‌زننده بر چهره دارد. فیلمنامه‌نویس - از روی نیاز، یا علاقه - بیش‌تر سینماگر است تا نویسنده. پرواضح است که اگر فیلمنامه‌نویس در امر نگارش تبحر داشته باشد، به‌خودی‌خود ضرری ندارد؛ اما چیره‌دستی، ظرافت و سنگینی در سبک، یکی از ده‌ها ویژگی موردنظر یک فیلمنامه‌نویس است. فیلمنامه اولین شکل فیلم است؛ باید به خیال درآید، دیده شود، شنیده شود، ترکیب شود و البته، هم‌چون خود فیلم نوشته شده باشد. هر قدر حضور فیلم در نوشته بیش‌تر احساس شود، برجسته، مشخص و در هم تنیده و آمادهٔ بهره‌برداری بهتر است، همانند پروانه‌ای که از همان آغاز، یعنی زمانی که لاروی بیش نیست، صاحب کلیه اندام‌ها و رنگ‌هاست. بدین ترتیب ارتباط پنهانی - و تقریباً مادرانه و در عین حال خانوادگی - موجود میان نوشته و فیلم، بیش‌تر بخت این را خواهد داشت که مستحکم و زنده جلوه کند.

«نگارش» یک فیلمنامه، کاری بیش از نوشتن است. در هر حال نوع دیگری از نوشتن است؛ یعنی با نگاه و سکوت نوشتن، متحرک و ساکن دیدن. نوشتن یک فیلمنامه یعنی کار کردن با صدا و تصویر که این دو می‌توانند ارتباطی غریب، واضح یا

معمولاً پس از پایان فیلم‌برداری، فیلمنامه، به صورت پاره، چروکیده و کثیف، روانهٔ سطل آشغال می‌شود. نادرند افرادی که نسخه‌ای از آن را نگه دارند و نادرتر، افرادی که آن را صحافی کنند یا در کتابخانهٔ شخصی خود جای دهند.

به زبان دیگر، فیلمنامه حالتی موقتی دارد، شیئی گذرا که قرار است استحاله یابد و سپس ناپدید شود، مانند کرمی که به پروانه تبدیل می‌شود. وقتی نوشته به فیلم تبدیل شد، هم‌چون خود کرم، تنها پوستی خشک و بی‌مصرف از آن باقی می‌ماند، پوستی که پس از چندی به خاک تبدیل خواهد شد. و اگر چندی بعد فیلمنامه را به چاپ برسانند - کاری که گاه پیش می‌آید - در واقع دیگر با فیلمنامه اصلی و اولیه سروکار نداریم، بلکه حاصل کار، داستانی است که از روی فیلم بازنویسی شده است.

شیء گذرا: فیلمنامه برای ماندگاری نوشته نمی‌شود، بلکه قرار است محو و به چیز دیگری تبدیل شود.

شیء ناسازه (پارادوکسال): میان تمام آثار نوشتاری، فیلمنامه کم‌ترین خواننده را دارد، شاید صد نفر. و هر یک از این خوانندگان، دنبال خوراک خود هستند: باز یگر در جست‌وجوی نقش، تهیه‌کننده در پی موفقیت و مدیر تولید به دنبال مسیری مشخص جهت برنامه‌ریزی کار. این نحوهٔ خواندن را «خواندن خودبینانه» می‌نامند

مشکل‌ترین گونه نوشتن است. چرا که فیلم‌نامه باید به خودش مشکوک باشد و از وسوسه‌ها، گرایش‌ها، افراط‌ها و ادبی‌بودنش پرهیز کند. فیلم‌نامه‌نویس باید خیلی زود - و بی‌هیچ تأسفی - بپذیرد که یک سینماگر است، نه یک نویسنده. بدین ترتیب از رنج عقده ادبی‌رهایی می‌یابد، زیرا در حال فراگیری دانشی است که هزاران نویسنده افسوس آن را می‌خورند.

در ضمن هیچ چیز مانع نمی‌شود که او، اگر روزی هوس کند، رمان یا نمایش‌نامه‌ای بنویسد، شعری بسراید و دوباره، به کار در سینما مشغول شود. عکس این حالت بسیار مشکل است - و ما شاهد ناکامی‌های بسیاری از نویسندگان در این زمینه بوده‌ایم: گذر یک شبه از بیان داستان‌پردازانه به نوشتار سینمایی؛ گریز از افسون‌جملات، وسوسه‌کلمات، شکستن قالب‌ها، فیلم را در دل خود نگه‌داشتن، سینمایی نوشتن. نوشتن فیلم‌نامه کار آسانی نیست و خوشی‌ها و ناخوشی‌های خودش را دارد. اما یک شبه نمی‌توان فیلم‌نامه‌نویس شد. اشاره به این امر از همین آغاز الزامی است.

مبهم با هم داشته باشند. برای پاره‌ای از افراد ارتباط صدا و تصویر می‌تواند خشن باشد و برای بعضی دیگر لطیف؛ شاید فکری را به کار بیندازد یا به ناخودآگاه نفوذ کند. این دو می‌توانند هم‌دیگر را بیوشانند، در هم تنیده شوند، حتی گاهی یکدیگر را دفع کنند، باعث ظهور مسایلی نامرئی شوند، می‌توانند برای برخی توهم‌زا باشند؛ و در هر صورت، در ارتباط مستقیم با این فعالیت فوق‌العاده و ویژه سینما قرار دارند، فعالیتی که در تاریخ هنرهای بیانی یگانه است: تدوین.

فرصتی است تا به اشاره بگوییم یک فیلم‌نامه‌نویس باید در حد امکان، شناخت مشخصی از هنر تدوین داشته باشد. فیلم‌نامه‌نویسی که منکر این شناخت باشد و بیش‌تر وقت خود را صرف بازی‌های ادبی بکند، بخشی از پویایی خود را ویران کرده است. تقریباً امروزه بی‌اطلاعی از فن تدوین برای یک فیلم‌نامه‌نویس غیرممکن است، زیرا بسیاری از فیلم‌نامه‌ها «به صورت تدوین شده» نوشته می‌شوند. در ضمن، در پایان هر فیلم‌برداری، اغلب اوقات فیلم‌نامه‌نویس با حالتی هیجان‌زده و نگران در اتاق تدوین دیده می‌شود: آیا فیلم‌نامه من هنوز وجود دارد؟ در چه وضعیتی است؟ آیا در طول فیلم‌برداری، صفحات زیادی از آن کهنه شده است؟

شناخت فیلم‌نامه‌نویس از تدوین، همانند شناختش از مقوله نور و صدا، می‌تواند در مرحله «نگارش» یعنی زمانی که فیلم‌نامه یا تقطیع شده (دکوپاژ) یا در حالت ساده و اولیه خود قرار دارد، محرک تخیل او باشد و راهی را پیش رویش بگشاید که کلمات در یافتنش ناتوان بوده‌اند؛ روشنایی بخشیدن به یک صحنه از طریق نمایی درشت، یک نگاه، یک مسئله جزئی، تحریک و برانگیختگی یک کنش. بنابراین «نگارش» فیلم‌نامه («نگارش»، واژه خطرناکی است و بهتر است در این‌گونه موارد، با احتیاط آن را میان گیومه بگذاریم) نگارشی خاص است. آغاز روندی طولانی از یک سلسله تغییر و تحول که تماماً وابسته به این شکل اولیه است. نوشتن برای شیئی گذرا، موقتی و مخصوص خوانندگانی کم‌تعداد و به‌طور کلی حواس جمع که فیلم‌نامه برای‌شان حالت راهنمایی ضروری دارد و چه‌بسا، چنین نیز باشد. بنابر تمامی این دلایل و همچنین، به دلیل حالت فروتنانه و موقر خود فیلم‌نامه و این‌که در آینده‌ای نه‌چندان دور ناپدید خواهد شد، فیلم‌نامه‌نویسی